

لغات مهم درس ستایش و الهی نامه خواجه عبدالله انصاری

لغات درس زنگ افرینش

حرم: داخل مکان زیارتی

گرم: مشغول سر گرم

غوغا: اشوب و فریاد همهمه

انگار: گویی

ذره ذره: کم کم

ابد: جاودان

غلتید: از پهلویی به پهلوی دیگر چرخید

موضوع: مطلب

دل تنگ: ناراحت غمگین

فارغ: آسوده، راحت

افق: کرانه های آسمان

پیغمبر: پیام آور

گل دسته: مناره

گنبد: سقف بزرگ که به شکل نیم کره است

زائر: دیدار کننده

کام: آرزو میل خواسته

زنجره: سیر سیرک، نوعی حشره که از خود صدا تولید می کند

درس دوم چشمه ی معرفت

کنجکاوی: جستجو برای یافتن چیزی

هیجان: برانگیختگی و التهاب درونی

معرفت: شناخت

گوارا: خوشایند لذت بخش

یقین: اطمینان کامل / قطعی

عظمت: بزرگی شکوه

جاذبه: به سوی خود کشنده / جذب کننده

اعجاز: کاری شگفت و عجیب انجام دادن

مذاب: ذوب شده / گداخته

سیراب: آنچه به اندازه اب خورده است

دیرینه: قدیمی

آداب دان: آگاه به راه و رسم معاشرت زندگی

وداع: خداحافظی

معصوم: بی گناه و پاک

زمزمه: خواندن آرام و زیر لب

غرور: احساس سربلندی به سبب موفقیت

لغات درس سوم: نسل آینده ساز نوع نثر ساده و روان

استعداد: توانایی / قابلیت

تحلیل: بررسی کردن جزئیات یک موضوع

پرشور: دارای عواطف تند

واقعیت: امر واقعی

برخی: بعضی

مطبوعات: روزنامه ها و مجلات / جمع مطبوعه

رسانه ها: وسایلی که خبرها و اطلاعات را به مردم می رسانند مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه

انحراف: دور شدن از حقیقت چیزی

جبران: با انجام کاری اثر اشتباه را از بین بردن

پاکدامنی: از گناه دوری کردن / پرهیزکار بودن

پارسایی: پرهیزکاری

صداقت: درستکاری/دوستی

شعور: درک و فهم

متخصصان: کسانی که در امری تخصص و کارشناسی دارند

اعتراف: اشتباه و خطا خود را به زبان آوردن و آن را پذیرفتن

پشتوانه: پشتیبان

همت: پشت کار قوی / اراده / انگیزه غیرت: مردانگی

اوایل: جمع اول / آغاز هر چیزی

هیئت: گروه / دسته / جمع

استحکامات: سنگرها/خاک ریزها و مانند آن ها

برخوردار: بهره مند

بحمدالله: خدا را شکر

مایه: سبب (مایه افتخار)

ببالد: افتخار کند

شعر خوانی راز شکوفایی

زنهار: آگاه باش

گورخانه: مقبره

مراد: هدف / آرزو

سر: راز

بستان: بوستان / باغ گل و میوه

نهفت: پنهان کرد

جفت: همراه و همنشین

پیش: نزد

حاصل: فراهم / به دست آوردن

درس چهارم: با بهاری که می رسد از راه

دوره: زمان و روزگار

شوق: اشتیاق و میل و رغبت فراوان به چیزی

شکوفایی: شکفته شدن / رونق

معمولاً: به صورت رایج

حسرت: افسوس / دریغ / ناراحتی و اندوه زیاد

انتقال: جابه جا کردن

پر فراز و فرود: پراز خوشی و ناخوشی

فراز: بالا

فرود: پایین

وابستگی: به کسی نیازمند بودن

استقلال: مستقل بودن / تابع دستور کسی نبودن

شبیهِ: مانند

دل خوری: ناراحت شدن

لذت: حالت خوشی که به انسان دست میدهد

زالال: صاف و گورا

کیمیا: هر چیز کمیاب و دست نیافتنی

گوناگون : مختلف

سرشار : پر / انباشته

علايق : دلبيستگي هاجمع علاقه

اندرز : بندو نصيحت

چالاکی: تند بودن

مهارت : استادی / توانایی انجام دادن کاری به نحو شایسته

تصاویر: جمع تصویر / شکل ها

درس پنجم: قلب کو چکم را به چه کسی بدهم

اذیت : زار دادن

واقعا : به درستی حق : شایسته / سزاوار

تمام تمام : کامل

معلوم : آشکار

عقلم می رسید : من درست فکر می کردم

فوراً : سریع و زود

شلوغ : پرسرو صدا

ولو : پخش و پراکنده

حسابی : کامل / فراوان

رضایت : خشنودی

سعی : تلاش و کوشش

تقصیر : سهل انگاری و کوتاهی

یک عالم : مقدار زیاد/ به اندازه وسعت یک دنیا

سراسر : همه / تمام

کشیف: آلوده

عجیب: شگفت انگیز/ شگفت آور

زور گفتن: ظلم و ستم کردن

گله: شکایت و دل خوری

مهمان خانه: مسافر خانه

کلمه های مهم درس ششم علم زندگانی

جرئت: دلیری / شجاعت

شاخسار: شاخه های درخت

عجز: ناتوانی

توش: مخفف توشه ذخیره / غذای سفر (آذوقه)

نوکار: در این جا بی تجربه / کسی که تازه به کاری مشغول شده باشد.

حدیث: سخن داستان (در این درس نکته و پند)

دمساز: همدم و همراه / سازگار

هجوم: حمله ناگهانی / یورش

فتنه: در این درس به معنی بلا و مصیبت

برومند: با ثمر / میوه دار / پر بار

گیتی: جهان

سست: ضعیف

جو کناری: جویبار

بامکی: بام کو چک

لغات مهم دعای مادر: املا و معانی این درس برای امتحان نیست

باز ماندن: محروم شدن

درجت: درجه / رتبه

اولیا: جمع ولی /دوستان خدا

مستجاب: پذیرفته شده /اجابت شده

درس هفتم: زندگی همین لحظه هاست

تردید: شک

دقایق: جمع دقیقه

دل آزرده: ناراحت

اثنا: میانه ها

حیرت: سرگشتگی / شگفت زده شدن

حک کردن: تراشیدن

صاحبان قبور: کسانی که مرده اند و در گور دفن شده اند.

نظر: نگاه /دید گاه

خفتن: خوابیدن

اعظم: بزرگ / بزرگتر

غفلت: بی خبری

دی: دیروز

نامده: نیامده

الکی: غیر جدی / دروغی

اضطراب: نگرانی /پریشان حالی

گره از کار دیگران گشودن: کنایه از بر طرف کردن مشکل

مصاحبت: هم نشینی /گفت و گو

اعجاب: شگفتی و تعجب

تامل: اندیشیدن / فکر کردن

عبرت : پند / اندرز

معانی لغات سفرنامه اصفهان

دانش آموزان عزیز این درس را روان خوانی کنید و ۵ سوال از متن درس در بیا ورید.

قلم زنی : کندن نقش بر روی فلزات

عین:مثل / مانند

از کوره در رفتن : کنایه از خشمگین شدن

طاقت:تاب و توان

عمارت :ساختمان /بنا

پلکیدن : آ هسته و آرام حرکت کرن

هر هر خندیدن : پیوسته و بیهوده خندیدن

تو نخ چیزی رفتن : مشغول و متمرکز در کاری شدن

کلافه شدن : سخت ناراحت شدن

قراضه : خراب / کهنه و فرسوده

حوصله : صبر /تاب و تحمل

از زبان افتادن : کنایه از خسته شدن از پر حرفی /به کنایه نتوانستم حرف بزنم

تو ذوق کسی زدن:مایوس و ناامید کردن کسی

بار و بندیل : اسباب و اساس

ناشتایی : صبحانه عازم :قصد کننده تک و دو : تلاش و تکاپو

شوفر:راننده ی اتو مبیل در زبان فرانسه

پوز خند:خنده ای به قصد تمسخر بیتوته :شب در جایی ماندن

پر پر زدن دل :کنایه از نهایت اضطراب و بی تابی

اوقات تلخی : تند خویی

دیزی: دیگ / آبگوشت

رونق: رواج

مناره: ستونی بلند در مسجد که در آذان میگویند

آهان: بلی / آری کار دست کسی دادن: برای کسی مشکل درست کردن

علاف: بی کار و سر در گم

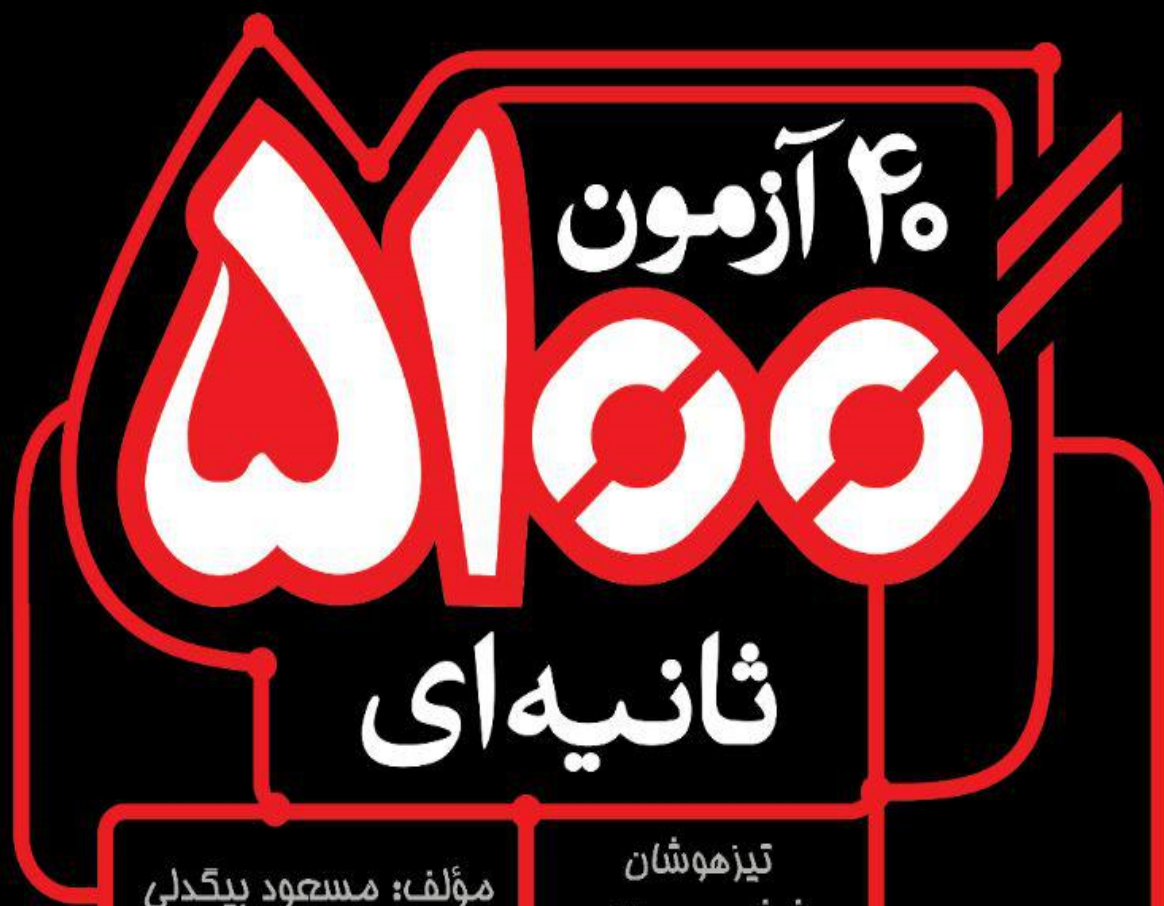
عازم: رهسپار

گو شزد نمودن: یاد آوری کردن / تذکر دادن

زیر بار رفتن: کنایه از پذیرفتن مسئولیت

لب و لو چه تو هم رفتن: کنایه از اخم کردن / غمگین شدن

یک سطل آب سر کسی ریختن: کنایه از کسی را مایوس و نا امید کردن



انستیتو استاد بیگدلی